

روزگار پیامبر اسلام ﷺ در موسم حج سال نهم ق. مربوط می‌شود.^۸ نزول آیات آغازین سوره توبه در این سال که جنگ‌های مسلمانان با کافران و دشمنان به پایان رسیده بود و مردم مناطق طائف، حجاز، تهامه، نجد و بسیاری از قبائل جنوب شبه جزیره به اسلام گرویده بودند، افزون بر روشن کردن شالوده معنوی دولت اسلامی و بیان ایده و عقیده توحیدی آن و رویارویی با کسانی که به ستیز با این رویکرد برمی‌خاستند،^۹ می‌تواند در مسیر حفظ وحدت و یکپارچگی مسلمانان و پاسداری از تازمه مسلمانان در برابر تبلیغات مشرکان و ستمگران تحلیل شود. پیمان‌شکنی‌های گوناگون مشرکان از دیگر عوامل نزول آیات برائت بود. پیامبر ﷺ پیش از فتح مکه به ویژه غزوه تبوک، با شماری از قبایل عرب از جمله بنی مدلج^{۱۰}، بنی نضیر، بنی قریظه، بنی قینقاع^{۱۱}، بنی عادیا^{۱۲}، ایل^{۱۳} و نیز طایفه‌های خزاعه،^{۱۴}

۸. الکشاف، ج ۲، ص ۲۴۲-۲۴۵؛ جوامع الجامع، ج ۲، ص ۲۶.

۹. حیاة محمد، ص ۲۹۶-۲۹۷؛ ابعاد سیاسی و اجتماعی حج، ص ۱۰۶-۱۰۷.

۱۰. السیرة النبویه، ج ۲، ص ۴۳۴؛ الطبقات، ج ۲، ص ۷؛ تاریخ

یعقوبی، ج ۲، ص ۶۶.

۱۱. اعلام الوری، ج ۱، ص ۱۵۷-۱۵۸؛ امتاع الاسماع، ج ۱، ص ۶۹؛

نک: انساب الاشراف، ج ۱، ص ۳۷۱؛ المغازی، ج ۱، ص ۱۷۶.

۱۲. فتوح البلدان، ص ۴۴؛ معجم البلدان، ج ۲، ص ۶۷.

۱۳. فتوح البلدان، ص ۶۷.

۱۴. انساب الاشراف، ج ۱، ص ۷۹-۸۰؛ المغازی، ج ۲، ص ۷۸۱-

۷۸۲؛ تفسیر فراءت کوفی، ص ۱۶۲.

برائت از مشرکان: مراسم بیزاری

جستن از دشمنان اسلام در ایام حج

برائت از ریشه «ب - ر - ء» به این معانی آمده است: رها شدن^۱، بیزاری جستن^۲، دور شدن شخص از چیزی که از همراهی با آن بیزار است^۳، اخطار و ترساندن^۴، پاک شدن از عیب و آلودگی^۵. برائت و تبری در برابر ولایت و تویی، دو مورد از فروع دین مسلمانان به شمار می‌روند. در اصطلاح دینی، برائت به بیزاری از دشمنان خداوند اطلاق می‌گردد.^۶

تعبیر «برائت از مشرکان» امروز به مجموع کوشش‌هایی اطلاق می‌شود که در بُعد سیاسی حج به صورت اجتماعی و در قالب مراسم برائت از مشرکان در مکه انجام می‌گیرد؛ در قرآن و سنت پیامبر ﷺ دشمنی با دشمنان خدا و مسلمانان، همواره کنار دوستی با دوستان او آمده است. بیشترین توجه قرآن به موضوع برائت، به ابلاغ آیات برائت از مشرکان در

۱. معجم مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۲۳۶؛ تاج العروس، ج ۱، ص ۱۱۳؛

قاموس قرآن، ج ۱، ص ۱۷۳، «برأ».

۲. الصحاح، ج ۱، ص ۳۶؛ قاموس قرآن، ج ۱، ص ۱۷۳، «برء».

۳. مفردات، ص ۱۲۱، «برأ».

۴. لسان العرب، ج ۱، ص ۳۳، «برأ».

۵. العین، ج ۸، ص ۲۸۹؛ مفردات، ص ۱۲۱؛ التحقيق، ج ۱، ص ۲۳۹،

«برأ».

۶. التبیان، ج ۲، ص ۶۵-۶۶.

۷. الکافی، ج ۲، ص ۱۲۵.

قریش^۱ و مسیحیان نجران^۲ پیمان‌های صلح و ترك نبرد بست؛ اما بسیاری از آنان پیمان خویش را نقض کردند. افزون بر این، منافقانی از جمله جدّ بن قیس^۳ و قبایلی چون مزینه^۴، جهینه^۵، اشجع^۶، غفار^۷ و اسلم^۸ که در جامعه اسلامی می‌زیستند و متعهد به اطاعت از پیامبر ﷺ بودند، در نبرد تبوک از همراهی مسلمانان سر باز زدند و برای نرفتن به نبرد عذر آوردند و با یاری نرساندن به لشکر مسلمانان، پیمان خویش درباره کمک به رسول خدا در برابر دشمنان و کافران را نقض کردند.^۹ پیش از سال نهم ق. در موارد گوناگون، خداوند مسلمانان را از گرایش و اعتماد به مشرکان، یهودیان و مسیحیان و بستن پیمان همکاری با آنان پرهیز داده و در آیات گوناگون قرآن کریم، بر ضرورت روی گردانی از مشرکان و بیان سرنوشت شوم آن‌ها تأکید نموده بود (برای نمونه: انعام/۶،

۱۰۶؛ توبه/۹، ۵؛ قصص/۲۸، ۸۷؛ فتح/۴۸، ۶؛ بینه/۹۸، ۶). با این حال، وضعیت سیاسی و اجتماعی شبه جزیره و ارتباط مسلمانان و مشرکان در پی فتح مکه چنان گشت که اعلان برائت از سوی پیامبر ﷺ امری ناگزیر و ضروری به شمار آمد تا از اعتماد بیجای مسلمانان به مشرکان و کافران پیمان‌شکن پیشگیری شود و زمینه گسترش و پایداری اسلام فراهم آید. بر اثر عوامل یاد شده، در ذی حجه سال نهم ق. که سال برائت نامیده شد، در پی پایان یافتن نبرد تبوک^{۱۰} و به گفته برخی، در اول شوال همان سال، آیات آغازین سوره توبه نازل شد: ﴿بَرَاءَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ... أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ...﴾ (توبه/۹، ۱-۳)^{۱۱} و برائت از مشرکان پیمان‌شکن را اعلام نمود. بر پایه گزارش منابع، در پی نزول آیات یاد شده، پیامبر ﷺ آیات برائت را به ابوبکر سپرد تا به مکه برود و بر حاجیان بخواند؛ اما دیری نگذشت که جبرئیل نازل شد و دستور داد آیات یاد شده را تنها خود پیامبر یا فردی از اهل وی ابلاغ کند. از این رو، علی رضی الله عنه آیات را در ذوالحلیفه از ابوبکر گرفت^{۱۲} و در روز

۱. الطبقات، ج ۲، ص ۷۴؛ انساب الاشراف، ج ۱، ص ۴۳۹-۴۴۰؛ السنن الكبرى، ج ۹، ص ۲۲۲-۲۲۳؛ السيرة النبوية، ج ۴، ص ۸۵۱-۸۵۲.
 ۲. الطبقات، ج ۱، ص ۲۱۹-۲۲۰؛ فتوح البلدان، ص ۷۲-۷۳.
 ۳. السيرة النبوية، ج ۴، ص ۹۴۴.
 ۴. الطبقات، ج ۱، ص ۲۲۲.
 ۵. الكامل، ج ۶، ص ۴۶؛ اسد الغابه، ج ۱، ص ۲۱۷.
 ۶. الطبقات، ج ۱، ص ۲۳۴.
 ۷. اسد الغابه، ج ۲، ص ۱۱۸.
 ۸. المغازی، ج ۳، ص ۱۰۷۵.
 ۹. التفسير الكبير، ج ۱۵، ص ۵۲۳؛ جامع البيان، ج ۱۰، ص ۷۷؛ زاد المسیر، ج ۳، ص ۳۰۱-۳۰۲؛ بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۲۰۵.

۱۰. الطبقات، ج ۲، ص ۱۲۵-۱۲۸؛ زاد المسیر، ج ۳، ص ۳۱۴.

۱۱. التفسير الكبير، ج ۱۵، ص ۵۲۴.

۱۲. نک: تفسير عیاشی، ج ۲، ص ۷۳-۷۴؛ مجمع البیان، ج ۵، ص ۶؛

تفسير قرطبي، ج ۸، ص ۶۷-۶۸.

مسلمانان تبدیل شد.^۵ پیامبر ﷺ نیز سنت پیامبران پیشین را تکمیل نمود. ایشان به مبارزه با کافران و بت پرستان پرداخت. در پی فتح مکه، خانه خدا را از وجود بت‌ها پاک کرد و در حج سال نهم ق. برائت از آنان را به همگان اعلان نمود.^۶ شماری از دانشوران، الگوپذیری و پیروی از سیره پیامبران الهی را مقتضای ایمان به آنان دانسته، تأکید می‌کنند همان گونه که مسلمانان در «تولی» مانند مناسک حج از ایشان پیروی می‌کنند، در «تبری» نیز باید به ایشان اقتدا کرده، از مشرکان برائت جویند.^۷ در آیاتی دیگر، خداوند مسلمانان را از تکیه کردن به ستمگران ﴿وَلَا تَرْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا...﴾ (هود/۱۱، ۱۱۳)، و تولی^۸، مودت و محبت^۹ یهودیان و مسیحیان پرهیز می‌دهد: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ...﴾ (مائده/۵، ۵۱). همچنین به سبب احتمال پدید آمدن کشش روحی میان مسلمانان و اهل کتاب و در نتیجه اثرپذیری از اخلاق آنان در پیروی از هوای نفس، مسلمانان از دوستی با آنان نهی شده‌اند: ﴿وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ﴾ (مائده/۵، ۵۱). نیز قرآن شتم

حج اکبر (۱۰ ذی‌حجه) برای مردم خواند.^۱ بر پایه ابلاغیه برائت، ورود مشرکان به مسجدالحرام و حج گزاردن آنان ممنوع شد. نیز طواف با بدن برهنه که از بدعت‌های ناپسند شماری از قبایل عرب و قریش بود،^۲ ممنوع گشت. به آنان که با پیامبر ﷺ پیمانی نداشتند، چهار ماه مهلت داده شد^۳ تا با اسلام بیاورند و یا از سرزمین وحی بیرون روند.^۴ افزون بر آیات برائت، به آیات و روایت‌های دیگر نیز برای اثبات جواز ابراز برائت از دشمنان خدا و کافران می‌توان استناد کرد. بر پایه آیات قرآن، برائت از مشرکان سیره پیامبران الهی بوده است. مبارزه با شرك و مظاهر بت پرستی و برائت از آن‌ها، از روزگار حضرت نوح ﷺ (نوح/۷۱، ۱-۲۸) آغاز شد و بعدها حضرت ابراهیم ﷺ (ممتحنه/۶۰، ۴) آن را ادامه داد. ابراهیم ﷺ هنگامی که دانست عمویش آزر دشمن خدا است، از او بیزاری و تبری جست: ﴿فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ...﴾ (توبه/۹، ۱۱۴). رفتار ابراهیم ﷺ در تبری جستن از دشمنان خدا، گرچه پیوند خویشاوندی نزدیکی میان آنان باشد، به الگویی برای

۵. احکام القرآن، ج ۵، ص ۳۲۷.

۶. ابعاد سیاسی و اجتماعی حج، ص ۹۸.

۷. تفسیر تسنیم، ج ۱۴، ص ۵۴۲؛ ج ۱۵، ص ۷۰۴.

۸. التبیان، ج ۲، ص ۴۳۴.

۹. المیزان، ج ۵، ص ۳۷۳؛ التفسیر الکبیر، ج ۱۲، ص ۳۸۴.

۱۰. التفسیر الکبیر، ج ۱۲، ص ۳۸۴؛ المیزان، ج ۵، ص ۳۷۳.

۱. جامع البیان، ج ۱۰، ص ۸۵-۸۶؛ مجمع البیان، ج ۵، ص ۷.

۲. سیره ابن اسحق، ج ۲، ص ۷۵؛ السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۳۰-۱۳۱؛

الروض الانف، ج ۱، ص ۲۴۹-۲۵۰.

۳. البداية و النهایه، ج ۵، ص ۴۴-۴۵؛ مجمع البیان، ج ۵، ص ۷.

۴. نک: معانی القرآن، ج ۱، ص ۴۲۰؛ البداية و النهایه، ج ۵، ص ۴۴-۴۵.

۴۵. جوامع الجامع، ج ۲، ص ۳۷-۳۸.

و دشنام به ظالمان را روا شمرده است: ﴿لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلِمَ﴾ (نساء/۴)، حکم این آیه مطلق است و زمان و مکان ندارد. با توجه به ستم‌هایی که مستکبران بر مسلمانان روا می‌داشتند، این آیه را نیز می‌توان دلیلی بر جواز بَرائت از مشرکان دانست. در آیه ۲۹ فتح/۴۸ پیروان پیامبر ﷺ با ویژگی تولی با مسلمانان و تبری از دشمنان وصف شده‌اند: ^۱ ﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ...﴾ آورده‌اند که شدت بَرائت و بیزاری آنان از مشرکان و دشمنان خدا به اندازه‌ای بود که حتی از تماس با بدن و لباس آنان پرهیز داشتند.^۲

قرآن در تقابلی میان خداوند با کافران، دشمنی آنان با خدا، پیامبران و فرشتگان به ویژه جبرئیل و میکائیل را سبب دشمنی خداوند با آن‌ها می‌شمارد: ﴿مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ رُسُلِهِ وَ جِبْرِيْلَ وَ مِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ﴾ (بقره/۲، ۹۸) افزون بر آیات قرآن، بر پایه روایت‌های شیعه، دین چیزی جز حب و بغض در راه خدا نیست.^۳ امامان شیعه بارها به اهمیت موضوع بَرائت از دشمنان خدا کنار دوستی با اولیای او پرداخته‌اند^۴ تا جایی که در

شماری از دعاها و زیارت‌های رسیده از ایشان، این کار سبب نزدیکی به خداوند دانسته شده است: «...إني أتقرب إلى الله... بمواليتك... وبالبراءة من... قاتلك...»^۵

از آیات قرآن می‌توان دریافت که حکم بَرائت، همه دشمنان خدا اعم از کافران، مشرکان، منافقان،^۶ یهودیان و مسیحیان را شامل می‌شود.^۷ مشرکان با انکار خدا و رسولانش^۸؛ یهودیان با تکذیب رسول خدا و دشمنی با جبرئیل^۹؛ مسیحیان با تکذیب رسول خدا و حضرت مسیح ﷺ را پسر خدا دانستن (توبه/۹، ۳۰)؛ و منافقان با دشمنی با رسول خدا و تکذیب وی (منافقون/۶۳، ۱) مصادیقی از دشمنان خدا و رسولش شمرده شده‌اند. شماری از روایت‌ها نیز این برداشت را تأیید می‌کنند.^{۱۰} می‌توان گفت سخن گفتن از مشرکان به صورت مطلق (توبه/۹، ۱۱-۲۸)، ذمیان مشرک و کافر (توبه/۹، ۲۹-۳۲)، زراندوزان (توبه/۹، ۳۴-۳۵) و منافقان (توبه/۹، ۵۰-۵۷) در سوره توبه، تأیید می‌کند که بَرائت به رویارویی با مشرکان پیمان‌شکن اختصاص ندارد؛ بَرائت حالتی نفسانی است و به تناسب

۵. کامل الزیارات، ص ۱۷۷؛ المزار، ص ۴۸۲.

۶. تفسیر ابن ابی حاتم، ج ۶، ص ۱۸۹۵؛ الکشاف، ج ۲، ص ۳۱۵.

۷. التبیان، ج ۳، ص ۵۵۰.

۸. نک: ارشاد الاذهان، ص ۶۰۹.

۹. تفسیر ابن کثیر، ج ۱، ص ۲۲۸.

۱۰. الکافی، ج ۱، ص ۲۸۲.

۱. تفسیر ابن کثیر، ج ۳، ص ۱۲۴.

۲. مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۹۲.

۳. الخصال، ج ۱، ص ۲۱.

۴. صحیفه سجاده، دعای ۴۷؛ تفسیر منسوب به امام عسکری،

ص ۱۹، ۳۲.

(توبه/۹، ۱۲) از این رو، ابراز برائت از کسانی را که به پیمان خویش پایبند نیستند، بر همه مسلمانان و هم‌پیمانانشان واجب شمرده‌اند.^۳ خطاب عمومی به مسلمانان و اعلان برائت از مشرکان کنار کعبه ﴿وَ أَذَانُ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ...﴾ (توبه/۹، ۳) نیز نشانگر این است که مفهوم برائت در این آیات، از بیزاری که تنها حالتی قلبی است، فراتر رفته و مستلزم کناره‌گیری از کافران و مشرکان و منزوی ساختن آنان است.^۴

◀ **برائت از مشرکان و حج:** تعابیر قرآنی ﴿قِيَامًا لِلنَّاسِ﴾ (مائده/۵، ۹۷)؛ ﴿مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَ آمَنًا﴾ (بقره/۲، ۱۲۵)؛ ﴿وُضِعَ لِلنَّاسِ﴾ (آل عمران/۳، ۹۶)؛ ﴿مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ﴾ (آل عمران/۳، ۹۶) را که به ماهیت و نقش اجتماعی حج و خانه خدا اشاره می‌کند، می‌توان با توجه به تغییر مصداق‌های آن و به تناسب احوال جوامع اسلامی و نیازهای روز، بر برائت از مشرکان به منزله یکی از نمودهای کارکرد اجتماعی حج تطبیق کرد. نیز تعابیر روایی مانند جهاد ضعیفان و قلمداد شدن حج از عوامل تقویت دین^۵ را می‌توان اشاره به بُعد سیاسی حج و موضوع برائت از مشرکان

اوضاع و احوال، به صورت‌های گوناگون انجام می‌پذیرد؛ از جمله بغض قلبی، تغییر چهره، ابراز با کلمات و یا کناره گرفتن از شخص مورد تبری: ﴿وَ إِذِ اعْتَزَلْتُمُوهُمْ وَ مَا يَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ...﴾ (کهف/۱۸، ۱۶) و اجتناب از آنان: ﴿... وَ اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ...﴾ (نحل/۱۶، ۳۶) و نبرد و قتال با آنان. (توبه/۹، ۱-۳) مهاجرت از محل تسلط کافران و دشمنان خدا نیز نوعی برائت عملی شمرده می‌شود و به همین رو است که خداوند هرگونه تعهد درباره مؤمنانی را که از سرزمین کافران هجرت نکرده‌اند، جز یاری آنان در دینداری، از دوش دیگر مؤمنان برمی‌دارد. (انفال/۸، ۷۲)^۱ به گفته دانشوران اسلامی، برائت به معنای بیزاری قلبی و اجتناب از نزدیکی با آنان، همه دشمنان خداوند و کافران را در بر می‌گیرد. ابراز برائت و لعن و رویارویی عملی تنها درباره کافران و مستکبرانی است که به عهد و پیمان خود پایبند نباشند و دشمنی خود با خدا و مسلمانان را نشان دهند.^۲ به همین رو است که قرآن کریم علت قتال و دشمنی با این افراد را پایبند نبودن به پیمانشان با مسلمانان معرفی می‌کند، نه کفر آنان: ﴿وَ إِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَ طَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أَلَمَةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ﴾.

۱. نمونه، ج ۷، ص ۲۵۶.

۲. روابط بین الملل در اسلام، ص ۱۸۰-۱۸۱.

۳. بیان السعاده، ج ۲، ص ۲۴۵.

۴. ابعاد سیاسی و اجتماعی حج، ص ۱۰۱.

۵. المیزان، ج ۱۴، ص ۳۶۹.

۶. نک: التهذيب، ج ۵، ص ۲۲.

دانست. براءت از شرك و نمودهای آن در مسیر هدف کلی توحید، گذشته از مبانی قرآنی، میان پیامبران گذشته به ویژه ابراهیم علیه السلام پیشینه داشته و در روزگار پیامبر صلی الله علیه و آله نیز در مناسکی همچون رمی جمرات ادامه یافته است.^۱ از این رو، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در دوره مکه از فرصت حج برای گسترش اسلام و طرد شرك بهره می گرفتند.^۲ آیه ۳ توبه/۹ براءت را به ویژه در ایام حج و سرزمین حرم مورد تأکید قرار داده است. در گزارش‌های دیگر آمده که رسول خدا صلی الله علیه و آله در مواردی همچون خطبه‌های منا و عرفه و نیز غدیر خم در «حجة الوداع» با تأکید بر ابعاد سیاسی حج، به ابراز براءت از مشرکان پرداخت.^۳

در پی رحلت ایشان نیز اعلان و اظهار براءت از دشمنان خدا در حج ادامه یافت و دامنه آن به براءت و بیزاری از حاکمان ظالم گسترش یافت. از این رو، امامان شیعه بارها در همایش مسلمانان در حج، همراه معرفی مستکبران و حاکمان جور، مردم را به دوری و بیزاری از آن‌ها فرامی خواندند. امام حسین علیه السلام با بهره‌گیری از فرصت حج، در جمع صحابه و تابعان به افشاگری درباره معاویه و

کوشش‌های نادرست او پرداخت^۴ و مسلمانان را از او پرهیز داد.^۵ به سال ۶۰ ق. نیز هنگامی که ایشان در پی خودداری از بیعت با یزید از مدینه بیرون آمد، با انتخاب مکه، مخالفت خویش با یزید و خلافت او را در ایام حج به آگاهی مسلمانان رساند.^۶ امام سجاد علیه السلام در کنار کعبه به هشام بن عبدالملک که طاغوت آن روزگار بود، بی‌اعتنایی کرد و سخنانی گفت^۷ که نشان دهنده اعتراض به وی و بیزاری از او بود. بر پایه گزارش‌هایی، امامان باقر^۸ و صادق^۹ و کاظم علیهم السلام^{۱۰} با بهره‌گیری از فرصت حج به گونه‌ای اعتراض خود را به حکومت‌های ظالمانه دوران خویش ابراز کردند. در جمع‌بندی دیدگاه طرفداران براءت از مشرکان می‌توان گفت که با وجود عدم اختصاص براءت از دشمنان خدا به مکان و زمانی خاص، حرم و ایام حج با توجه به همایش بزرگ مسلمانان، مناسب‌ترین موقعیت برای ابراز براءت از مستکبران به

۴. کتاب سلیم بن قیس، ص ۷۸۷: الاحتجاج، ج ۲، ص ۱۸-۱۹؛

بحار الانوار، ج ۳۳، ص ۱۸۱-۱۸۲.

۵. نک: الاحتجاج، ج ۲، ص ۱۸-۱۹.

۶. سیره پیشوایان، ج ۹، ص ۱۱؛ زندگانی چهارده معصوم، ج ۷، ص ۳۸.

۷. نک: المناقب، ج ۳، ص ۳۰۶-۳۰۷.

۸. میقات حج، سال ۱، ش ۴، ص ۱۱، «بهره‌گیری از ابعاد سیاسی حج».

۹. مناقب اهل البیت، ص ۲۶۸.

۱۰. المناقب، ج ۳، ص ۴۲۷-۴۲۹.

۱. نک: علل الشرائع، باب ۱۷۷، ص ۴۳۷.

۲. نک: الطبقات، ج ۸، ص ۷؛ فتح الباری، ج ۱، ص ۶۰.

۳. نک: السیره النبویه، ج ۴، ص ۱۰۲۲-۱۰۲۵؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲،

ص ۱۰۲-۱۰۹.

جدال به معنای ستیز با طرف مقابل و دفع او با دلیل یا شبه دلیل،^۵ از نظر مصداق و احکام متفاوت است. شماری از منابع روایی^۶ و تفسیری^۷ نیز جدال ممنوع را به گونه‌هایی دیگر تفسیر کرده‌اند که هیچ یک شامل برائت از مشرکان نمی‌شود. برخی نیز بر آنند که گر چه پیمان‌شکنی و دشمنی مشرکان با مسلمانان و برائت از مشرکان مکه و حجاز در آغاز اسلام به شبه جزیره محدود می‌شد، با گسترش اسلام و فراگیر شدن ستم و دشمنی‌های مستکبران در برابر مسلمانان سراسر جهان، برائت از آنان نیز از لحاظ زمان و مکان گسترش می‌یابد.^۸

◀ اعلان برائت از مشرکان در دوران

کنونی: احیای سنت برائت از مشرکان و تبیین مبانی آن در دوران کنونی به امام خمینی بازمی‌گردد. وی اصلی‌ترین مبنای برائت از مشرکان را دو آموزه تولی و تبری می‌داند^۹ و با گسترش بخشیدن به مفهوم قرآنی آن در سوره توبه، شکستن بت‌های کعبه به فرمان

شمار می‌آید.^۱

در برابر، برخی به پشتوانه ادله‌ای با برگزاری مراسم برائت از مشرکان مخالفت کرده‌اند: ا. برائت از مشرکان به روزگار پیامبر ﷺ اختصاص داشته است و در این دوران مصداق ندارد. ب. این مراسم از مصداق‌های جدال در حج به شمار می‌رود که در آیه ﴿وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ﴾ (بقره/۲، ۱۹۷) از آن نهی شده است. ج. سیره پیامبر ﷺ در مراسم حج جز تلبیه و نیایش نبوده است. د. شعار دادن بر ضد دشمنان و فریاد زدن با اهداف حج سازگار نیست و معصیت به شمار می‌رود. ح. می‌توان گفت که این ایرادها وارد نیستند؛ زیرا افزون بر این که اعلان بیزاری از مشرکان و مفسدان، در قرآن و سیره پیامبر ﷺ و امامان معصوم علیهم‌السلام ریشه دارد، عمومیت برائت در قرآن و سنت، مانع از تخصیص آن به دوره تاریخی مشخص است و برای پیشگیری از بازگشت کفر و شرک در شکل‌های گوناگون آن و نیز حفظ وحدت و یکپارچگی مسلمانان باید برائت متناسب با هر روزگار ادامه یابد.^۴ همچنین مفهوم برائت با

۵. الکلیات، ص ۲۵۳، «جدل».

۶. الکافی، ج ۴، ص ۳۳۸؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۲۸؛

البرهان، ج ۱، ص ۴۲۷.

۷. تفسیر ابن ابی حاتم، ج ۱، ص ۳۴۸-۳۴۹؛ التبیان، ج ۲، ص ۱۶۴؛

تفسیر ابن کثیر، ج ۱، ص ۴۰۷.

۸. حج ۲۷، ص ۹۵؛ میقات حج، ش ۲۵، ص ۳۸-۴۰، «مبانی

دینی برائت از مشرکین».

۹. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۱۱۱.

۱. میقات حج، ش ۳۰، ص ۲۱۶-۲۲۸، «برائت از مشرکین از دیدگاه امام خمینی».

۲. مبانی دینی و سیاسی برائت از مشرکین، ص ۱۶۲؛ البرائة من المشرکین، ص ۲۲۲-۲۵۱.

۳. البرائة من المشرکین، ص ۲۳۲-۲۵۱.

۴. در راه برپایی حج ابراهیمی، ص ۱۶۶.

پیامبر ﷺ را نوعی برائت از مشرکان می‌شمارد و بر این باور است که عنصر اصلی آن، طرد بت‌پرستی و اعلان انزجار از مشرکان و دشمنان اسلام و محکوم کردن سیاست‌های توطئه‌گرانه و ستمکارانه آن‌ها است^۱ و مسلمانان باید بت‌های جدید امروز را بشناسند و بشکنند.^۲ بر این اساس، برائت را به زمان و مکان ویژه محدود ندانسته، بر تکرار سالانه آن تأکید می‌کند.^۳ نتیجه دیگر گسترش معنایی برائت در دیدگاه وی آن است که هرگونه دفاع از مسلمانان در برابر مستکبران را نیز گونه‌ای برائت از مشرکان می‌شمرد.^۴ از دید بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، توجه حاجیان به جنبه‌های سیاسی و اجتماعی حج سبب کوتاهی دست ستمگران می‌شود و زمینه دستیابی به آزادی حقیقی را فراهم می‌سازد.^۵ بر پایه همین دیدگاه، وی حج را بدون برائت از مشرکان ناقص و بی‌ارزش شمرده است.^۶ به باور او، آیین برائت، کعبه را به پایگاه همیشگی توحید و اعلان انزجار از شرک و ظلم بدل ساخته^۷ و برخی اعمال حج مانند سنگ

زدن به تندیس شیطان در همین مسیر تشریح شده است.^۸ افزون بر این، اعلان برائت در هر هنگام شیوه‌ها و برنامه‌های متناسب خود را می‌طلبد^۹ و اجرای آن به شکل راهپیمایی از شیوه‌های امروزی آن است.^{۱۰} برائت از مظاهر شرک همراه با همایش مسلمانان کنار بیت الله می‌تواند ثمراتی مانند تحکیم برادری، رفع اختلاف امت اسلامی، اظهار شکوه اسلام و ذلت کافران را در پی داشته باشد.^{۱۱}

امام خمینی رحمته الله علیه با توجه به ابعاد سیاسی اسلام، در نخستین عید قربان پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در پیامی به حاجیان، ضرورت رویارویی با آثار طاغوت و بازگشت به اسلام واقعی را یادآور شد.^{۱۲} در سال‌های بعد نیز با تأکید بر وجود مصادیق جدید دشمنان اسلام، شناساندن ایشان و بیزاری جستن از آن‌ها^{۱۳} را در حج، برای بی‌اثر ساختن توطئه‌هایشان لازم شمرد.^{۱۴} وی همواره خطاب به سرپرستان حاجیان، بر بهره‌گیری از ظرفیت حج برای پاکسازی آن از طاغوت و بازگشت به اسلام

۸. ابعاد سیاسی و اجتماعی حج، ص ۱۱۱.

۹. صحیفه حج، ج ۱، ص ۱۸۸-۱۸۹.

۱۰. صحیفه حج، ج ۱، ص ۱۸۴، ۱۹۷، ۱۹۹.

۱۱. نک: وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۶؛ میقات حج، ش ۳۰،

ص ۲۲۷-۲۲۸، «برائت از مشرکان از دیدگاه امام خمینی».

۱۲. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۱۵۸.

۱۳. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۸۶-۸۹، ج ۱۹، ص ۳۳۳-۳۴۵.

۱۴. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۲۰۷-۲۱۱.

۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۱۴-۳۱۵؛ صحیفه حج، ج ۱، ص ۱۸۴.

۲. صحیفه حج، ج ۱، ص ۱۹۷-۱۹۹.

۳. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۹۴.

۴. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۱۷-۳۱۸.

۵. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۱۶۸-۱۶۹.

۶. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۲.

۷. مبانی دینی و سیاسی برائت از مشرکان، ص ۸۶.

اعلام کرد و برپایی تظاهرات در ایام حج را بدعت و مزاحمتی برای دیگر حاجیان برشمرد.^۴ امام خمینی در پاسخ، ضمن دعوت کشورهای اسلامی به اتحاد، نفاق و اختلاف را منشأ همه گرفتاری‌های مسلمانان دانست و با اشاره به نقش تاریخی حرمین شریفین به عنوان مرکز عبادی سیاسی مسلمانان، جرم شناختن آیین برائت از مشرکان در مکه را نتیجه کج‌فهمی‌ها، غرض‌ورزی‌ها و تبلیغات گسترده ابرقدرت‌ها دانست.^۵ از سال ۱۳۶۲ش. برگزاری آیین برائت از مشرکان بر دامنه کشمکش‌ها افزود؛ ولی در بیشتر موارد، مشکلات با مذاکره و پیگیری دو طرف حل و فصل می‌شد. این اختلاف‌ها تا ۱۳۶۶ش. ادامه یافت. در آن سال، با وجود هماهنگی کامل مقام‌های ایرانی و سعودی در برگزاری مراسم برائت در بعد از ظهر ششم ذی‌حجه ۱۴۰۷ق. در مکه^۶، لحظاتی در پی آغاز مراسم و سخنرانی سرپرست حجاج، نیروهای پلیس عربستان با سلاح‌های سرد و گرم و با همراهی برخی افراد دارای لباس شخصی که بر بام ساختمان‌ها مستقر بودند، به حاجیان حمله کردند.^۷ (تصویر شماره ۱) بر پایه اطلاعیه

راستین تأکید می‌نمود.^۱ مراسم برائت از مشرکان در نخستین حج‌گزاری ایرانیان پس از پیروزی انقلاب به سال ۵۸، با راهپیمایی آرام در مدینه برگزار شد و به تدریج به شکل راهپیمایی اعتراضی درآمد. شماری فراوان از حاجیان ایرانی و غیر ایرانی، با هماهنگی دولت سعودی در مکان‌هایی گرد آمده، با سردادن شعارهایی، بیزاری خود را از شرك و طاغوت‌های زمان اعلان و مسلمانان را به اتحاد و برادری دعوت می‌کردند. در پی نزدیکی دولت عربستان سعودی به آمریکا، برگزاری این مراسم با وجود هماهنگی دولت‌های ایران و عربستان، با دشواری‌ها و محدودیت‌هایی روبه‌رو شد.^۲ بدعت‌آمیز دانستن آیین برائت از سوی پیروان محمد بن عبدالوهاب نیز مانعی دیگر بر سر راه برائت از مشرکان شمرده شده است.^۳ در پی همین محدودیت‌ها، در راهپیمایی وحدت به سال ۱۳۶۰ش. در مدینه، نیروهای سعودی به حاجیان ایرانی حمله‌ور شدند. در این سال، ملك خالد بن عبدالعزيز، پادشاه عربستان سعودی، در نامه‌ای به امام خمینی، نظر دانشوران حجاز درباره فردی بودن حج را

۴. روزنامه جمهوری اسلامی، سال سوم، ش ۶۸۲.

۵. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۲۹۰.

۶. نک: آن سوی حج خونین، ص ۱۳-۲۰.

۷. آن سوی حج خونین، ص ۱۵-۲۰.

۱. میقات حج، ش ۳۰، ص ۹۸. «امارت حج و زعامت حجاج».

۲. نک: چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی، ص ۸۸-۸۹.

۸۹.

۳. مروری بر روابط ایران و عربستان در دو دهه اخیر، ص ۳۴.

رسمی وزارت امور خارجه ایران، در این حملات ۳۶۶ تن شهید، اسیر و مفقود شدند و بعدها آمار کشته‌شدگان به ۴۰۰ تن رسید.^۱ این رویداد که سبب شد تا این روز به جمعه خونین مکه شهرت یابد، واکنش بسیار سخت امام خمینی را در پی داشت.^۲ پس از این حادثه، روابط ایران و عربستان و نیز اعزام حاجیان ایرانی به مدت چهار سال قطع شد.^۳ با رحلت امام خمینی، آیت الله خامنه‌ای از آغاز رهبری خویش، بر مواضع بنیان‌گذار انقلاب اسلامی درباره ابعاد سیاسی حج، از جمله اعلان برائت از مشرکان، تأکید ورزید و آن را فرصتی برای رویارویی با نقشه‌های استکبار و صهیونیسم برشمرد.^۴ با وجود از سرگیری روابط ایران و عربستان به سال ۱۳۷۰ ش. و اعزام حاجیان، پیشگیری سعودی‌ها از برگزاری مراسم برائت در این دوره نیز ادامه یافت و برپایی آن در این سال‌ها با دشواری‌هایی مواجه شد. به سال ۱۳۷۰ ش. این مراسم در مقابل بعثه جمهوری اسلامی در مکه^۵ برگزار گشت.^۶ به سال ۱۳۷۱ ش. برابر با ششم ذی‌حجه ۱۴۱۲ ق. این مراسم مانند سال پیش

با شکوه فراوان انجام شد.^۷ از سال ۱۳۷۲ ش. به سبب مخالفت سخت عربستان و تجهیز نیروی نظامی در محل برگزاری مراسم،^۸ برگزاری راهپیمایی برائت از مشرکان در مکه حذف و با موافقت رهبر انقلاب، این مراسم ابتدا در منام^۹ و سال‌های بعد در عرفات^{۱۰} برگزار شد. از آن پس، آیین برائت همه ساله با پیام رهبر جمهوری اسلامی ایران و با حضور شخصیت‌های دینی و سیاسی و اندیشمندان کشورهای اسلامی در عرفات برگزار می‌گردد. (تصویر شماره ۲) در سال‌های اخیر، این مراسم صبح روز عرفه در بعثه رهبر جمهوری اسلامی ایران، در صحرای عرفات، با شعارهایی همچون «مرگ بر اسرائیل»، «مرگ بر آمریکا»، «یا ایها المسلمون اتحدوا اتحدوا»، و «تفرقه و اختلاف پیروی از شیطان است» از سوی حاجیان ایرانی و غیر ایرانی در پی تلاوت آیاتی از قرآن کریم آغاز می‌شود و در ادامه، سرپرست حاجیان ایرانی، پیام رهبر جمهوری اسلامی ایران را به دو زبان فارسی و عربی می‌خواند. در پایان نیز قطعنامه‌ای خوانده می‌شود و زائران پس از هر بند، تکبیر گویان آن را تأیید می‌کنند.^{۱۱}

۷. نک: با کاروان ابراهیم، ص ۱۱۳-۱۴۵.

۸. مروری بر روابط ایران و عربستان، ص ۹۵، ۹۷.

۹. با کاروان عشق، ص ۱۷۱-۱۷۳.

۱۰. صحیفه حج، ج ۲، ص ۲۳۰.

۱۱. حج ۲۷، ص ۳۲۴؛ حج ۲۵، ص ۲۹۴-۳۰۱؛ حج ۲۹، ص ۱۶۲-

۱۷۲

۱. کیهان، ۱۳۶۶/۵/۱۲؛ گل‌واژه‌های حج و عمره، ص ۱۱۲.

۲. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۳۹-۳۵۰، ۳۹۱؛ ج ۲۱، ص ۷۴.

۳. کیهان، ۱۳۶۶/۵/۲۶؛ عربستان سعودی، ص ۱۲۶.

۴. نک: صحیفه حج، ج ۲، ص ۱۷۲-۱۷۳، ۲۰۳.

۵. سیمای حج در سال ۷۰، ص ۱۹۰.

۶. کیهان، ۱۳۷۰/۳/۳۰.

◀ منابع

(م. ۱۲۰۵.ق.)، به کوشش علی شیری، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴.ق؛ **تاریخ الیعقوبی**: احمد بن یعقوب (م. ۲۹۲.ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۵.ق؛ **التبسیان: الطوسی** (م. ۴۶۰.ق.)، به کوشش العاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ **التحقیق: المصطفوی**، تهران، وزارت ارشاد، ۱۳۷۴.ش؛ **تسنیم: جوادی آملی**، قم، اسراء، ۱۳۷۸.ش؛ **تفسیر ابن ابی حاتم (تفسیر القرآن العظیم)**: ابن ابی حاتم (م. ۳۲۷.ق.)، به کوشش اسعد محمد، بیروت، المكتبة العصرية، ۱۴۱۹.ق؛ **تفسیر ابن کثیر (تفسیر القرآن العظیم)**: ابن کثیر (م. ۷۷۴.ق.)، به کوشش شمس الدین، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۹.ق؛ **تفسیر العیاشی: العیاشی** (م. ۳۲۰.ق.)، به کوشش رسولی محلاتی، تهران، المكتبة العلمیه الاسلامیه؛ **التفسیر الکبیر: الفخر الرازی** (م. ۶۰۶.ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۵.ق؛ **التفسیر المنسوب الی الامام العسکری (ع)**: به کوشش ابطحی، قم، مدرسه امام مهدی، ۱۴۰۹.ق؛ **تفسیر فرات الکوفی**: فرات الکوفی (م. ۳۰۷.ق.)، به کوشش محمد کاظم، تهران، وزارت ارشاد، ۱۳۷۴.ش؛ **تفسیر قرطبی (الجامع لاحکام القرآن)**: القرطبی (م. ۷۱۰.ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵.ق؛ **تفسیر نمونه: مکارم شیرازی و دیگران**، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵.ش؛ **تهذیب الاحکام: الطوسی** (م. ۴۶۰.ق.)، به کوشش موسوی و آخوندی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.ش؛ **جامع البیان: الطبری** (م. ۳۱۰.ق.)، به کوشش صدقی جمیل، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵.ق؛ **جوامع الجامع: الطبرسی** (م. ۵۴۸.ق.)، به کوشش گرجی، تهران، ۱۳۷۸.ش؛ **چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی: روح الله رضانی**، ترجمه:

آن سوی حج خونین: سید حسن میردامادی، تهران، مرکز تحقیقات و نشر حج، ۱۳۶۷.ش؛ **ابعاد سیاسی و اجتماعی حج: محمد تقی رهبر**، تهران، مشعر، ۱۳۷۷.ش؛ **الاحتجاج: ابومنصور الطبرسی** (م. ۵۲۰.ق.)، به کوشش سید محمد باقر، دار النعمان، ۱۳۸۶.ق؛ **احقاق الحق: نورالله الحسینی الشوشتری** (م. ۱۰۱۹.ق.)، تعلیقات شهاب الدین نجفی، قم، مکتبه النجفی، ۱۴۰۶.ق؛ **احکام القرآن: الجصاص** (م. ۳۷۰.ق.)، به کوشش قمحوی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵.ق؛ **ارشاد الازهار الی تفسیر القرآن: محمد سبزواری** (م. ۴۰۹.ق.)، بیروت، دار التعارف، ۱۴۱۹.ق؛ **اسد الغابه: ابن اثیر** (م. ۶۳۰.ق.)، بیروت، دار الکتب العربی، اعلام الوری: الطبرسی (م. ۵۴۸.ق.)، قم، آل البيت (ع)، ۱۴۱۷.ق؛ **امتاع الاسماع: المقریزی** (م. ۸۴۵.ق.)، به کوشش محمد عبدالحمید، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۰.ق؛ **انساب الاشراف: البلاذری** (م. ۲۷۹.ق.)، به کوشش زکار و زرکلی، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۷.ق؛ **با کاروان ابراهیم در سال ۷۱: جعفریان و خسروی**، مشعر، ۱۳۷۱.ش؛ **با کاروان عشق در سال ۷۲: رسول جعفریان**، تهران، مشعر، ۱۳۷۲.ش؛ **بحار الانوار: المجلسی** (م. ۱۱۱۰.ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳.ق؛ **البداية و النهايه: ابن کثیر** (م. ۷۷۴.ق.)، به کوشش علی شیری، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸.ق؛ **البرائة من المشرکین بین المعنی الشرعی و التأویلات الشیعی: عبدالرحمن بن عبدالله آل علی**، دار اضواء المجتمع؛ **البرهان فی تفسیر القرآن: البحرانی** (م. ۱۱۰۷.ق.)، قم، البعثه، ۱۴۱۵.ق؛ **بیان السعاده: الجنابذی** (م. ۳۲۷.ق.)، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۸.ق؛ **تاج العروس: الزبیدی**

علیرضا طیب، تهران، نشر نی، ۱۳۸۰ش؛ حج ۲۵: رضا مختاری، تهران، مشعر، ۱۳۸۴ش؛ حج ۲۷ گزارشی از حج‌گزاران ۱۴۲۷ق. / ۱۳۸۵ش: حسن مهدویان؛ حج ۲۹: حجت الله بیات و سید حسین اسحاقی، تهران، مشعر، ۱۳۸۸ش؛ الخصال: الصدوق (م. ۳۸۱ق.)، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ق؛ در راه برپایی حج ابراهیمی: عباسعلی عمید زنجانی، وزارت ارشاد؛ روابط بین الملل در اسلام: جوادی آملی، به کوشش سعید بندعلی، اسراء، ۱۳۸۸ش؛ الروض الانف: السهیلی (م. ۵۸۱ق.)، به کوشش عبدالرحمن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ق؛ زاد المسیر: ابن جوزی (م. ۵۹۷ق.)، به کوشش محمد عبدالرحمن، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۷ق؛ السنن الكبرى: البيهقي (م. ۴۵۸ق.)، بیروت، دار الفکر؛ السیرة النبویه: ابن هشام (م. ۲۱۸/۲۱۳ق.)، به کوشش محمد محیی الدین، مصر، مکتبه محمد علی صبیح، ۱۳۸۳ق؛ سیره ابن اسحق (السير و المغازی): ابن اسحق (م. ۱۵۱ق.)، به کوشش محمد حمید الله، معهد الدراسات و الابحاث؛ سیمای حج در سال ۷۰: سرهنگی، گیویان، بهبودی؛ الصحاح: الجوهری (م. ۳۹۳ق.)، به کوشش العطار، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۴۰۷ق؛ الصحیفة السجاده: علی بن الحسین عليه السلام، قم، الهادی، ۱۴۱۸ق؛ صحیفة امام: مجموعه سخنرانی امام خمینی رحمته الله علیه؛ صحیفة حج: سخنان امام خمینی رحمته الله علیه و آیت الله خامنه‌ای، مرکز تحقیقات حج؛ الطبقات الكبرى: ابن سعد (م. ۲۳۰ق.)، بیروت، دار صادر؛ عربستان سعودی: رقیه سادات عظیمی، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵ش؛ علل الشرائع: الصدوق (م. ۳۸۱ق.)، به کوشش بحر العلوم، نجف، المکتبه الحیدریه، ۱۳۸۵ق؛ العین: خلیل (م. ۱۷۵ق.)، به کوشش المخزومی

و السامرائی، دار الهجره، ۱۴۰۹ق؛ فتح الباری: ابن حجر العسقلانی (م. ۸۵۲ق.)، بیروت، دار المعرفه؛ فتوح البلدان: البلاذری (م. ۲۷۹ق.)، بیروت، دار الهلال، ۱۹۸۸م؛ قاموس قرآن: علی اکبر قرشی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ش؛ کامل الزیارات: ابن قولویه القمی (م. ۳۶۸ق.)، نجف، مرتضویه، ۱۳۵۶ق؛ کتاب سلیم بن قیس: الیهالی (م. ۷۶ق.)، قم، الهادی، ۱۴۱۵ق؛ الکافی: الکلینی (م. ۳۲۹ق.)، به کوشش غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ش؛ الكامل فی ضعفاء الرجال: عبدالله بن عدی (م. ۳۶۵ق.)، به کوشش غزاوی، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۹ق؛ الکشاف: الزمخشری (م. ۵۳۸ق.)، قم، بلاغت، ۱۴۱۵ق؛ گل‌واژه‌های حج و عمره: علیرضا بصیری، تهران، مشعر، ۱۳۸۷ش؛ لسان العرب: ابن منظور (م. ۷۱۱ق.)، قم، ادب الحوزه، ۱۴۰۵ق؛ مبانی دینی و سیاسی برائت از مشرکین: جواد ورعی، مشعر، ۱۳۷۹ش؛ مجمع البیان: الطبرسی (م. ۵۴۸ق.)، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۶ق؛ مروری بر روابط ایران و عربستان در دو دهه اخیر: بهرام اخوان کاظمی، معاونت پژوهشی سازمان تبلیغات، ۱۳۷۳ش؛ المزار الكبير: محمد بن المشهدی (م. ۱۰۶ق.)، به کوشش القیومی، قم، النشر الاسلامی، ۱۴۱۹ق؛ معانی القرآن: الفراء (م. ۲۰۷ق.)، به کوشش نجانی و نجار، مصر، دار الکتب المصریه؛ معجم البلدان: یاقوت الحموی (م. ۲۶۶ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۵م؛ معجم مقاییس اللغة: ابن فارس (م. ۳۹۵ق.)، به کوشش عبدالسلام، قم، دفتر تبلیغات، ۱۴۰۴ق؛ المغازی: الواقدی (م. ۲۰۷ق.)، به کوشش مارسدن جونز، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۹ق؛ مفردات: الراغب (م. ۴۲۵ق.)، نشر الکتاب، ۱۴۰۴ق؛ من لا یحضره الفقیه: الصدوق

بر اوستانی قمی در دوران ملک‌شاه سلجوقی (حک: ۴۶۵-۴۸۵ق.) نیابت شرف‌الملک خوارزمی را بر عهده داشت که مستوفی کل (حسابدار کل) بود. سپس جای او را گرفت و لقب مجدالملک یا مجدالدوله یافت.^۷ وی لقب مُشیدالدوله را نیز داشت.^۸ از آن جا که حسابدار خزانه سلجوقی بود، به او مستوفی هم می‌گفتند.^۹ مجدالملک پیشتر در گنجه آذربایجان، نایب و کاتب سلطان محمد سلجوقی شده بود.^{۱۰} او در اوج قدرت خواجه نظام‌الملک شافعی (وزیر اعظم)، نزد سلطان ملک‌شاه سلجوقی مقامی والا داشت. هنگامی که نوه نظام‌الملک، حاکم مرو، با نماینده سلطان اختلاف پیدا کرد و زندانی شد، سلطان، مجدالملک را نزد نظام‌الملک فرستاد و رفتار نوه‌اش را به او یادآور شد و تهدیدش نمود.^{۱۱}

مجدالملک از حمایت زبیده، همسر سلطان سلجوقی، که از مخالفان نظام‌الملک بود، بهره داشت.^{۱۲} بر پایه گزارشی، مجدالملک همراه برخی از صاحب‌منصبان آن عصر، در مخالفت با خواجه نظام‌الملک، شاه را به او

(م. ۳۸۱ق.)، به کوشش غفاری، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۴ق؛ مناقب اهل البيت (ع): حیدر علی الشیروانی (م. قرن ۱۲ق.)، به کوشش الحسون، منشورات الاسلامیه، ۱۴۱۴ق؛ مناقب آل ابی‌طالب: ابن شهر آشوب (م. ۵۸۸ق.)، به کوشش گروهی از اساتید نجف، نجف، المكتبة الحیدریه، ۱۳۷۶ق؛ المیزان: الطباطبائی (م. ۱۴۰۲ق.)، بیروت، اعلمی، ۱۳۹۳ق؛ میقات حج (فصلنامه): تهران، حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت؛ وسائل الشیعه: الحر العاملی (م. ۱۱۰۴ق.)، به کوشش ربانی شیرازی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
حسن رضایی



بِراوستانی، مجدالملک: وزیر شیعی

عهد سلجوقیان و سازنده گنبد بقیع

شمس‌الدین ابوالفضل اسعد بن محمد بن موسی، وزیر شیعی^۱ برکیارق سلطان سلجوقی (حک: ۴۸۵-۴۹۸ق.) از براوستان، یکی از روستاهای قم، برخاست.^۲ این نسبت در منابع به تصحیف، براوستانی^۳، اردستانی^۴، بلاسانی^۵ و شکل‌های دیگر^۶ آمده است؛ شمس‌الدین

۱. الکامل، ج ۱۰، ص ۲۸۹-۲۹۰.

۲. معجم البلدان، ج ۱، ص ۳۶۸.

۳. اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۲۹۹.

۴. بقیع الغرقه، ص ۲۹۵.

۵. الکامل، ج ۱۰، ص ۳۶۱.

۶. تاریخ الاسلام، ج ۳۴، ص ۱۳۴-۱۳۵؛ تاریخ ابن خلدون، ج ۳، ص ۴۸۲.

۷. الکامل، ج ۱۰، ص ۲۸۹؛ تاریخ سلسله سلجوقی، ص ۶۹.

۸. تاریخ بیهق، ص ۱۵۵؛ تاریخ آل سلجوق در آناتولی، ص ۶۰.

۹. النجوم الزاهره، ج ۵، ص ۱۶۲.

۱۰. تعلیقات نقض، ج ۲، ص ۷۲۲.

۱۱. تاریخ ابن خلدون، ج ۵، ص ۲۲۰.

۱۲. تاریخ ابن خلدون، ج ۳، ص ۲۸۲.